



## آنچه مهندس اسلامی برای مدیریت مازندران باید رعایت کند/ «ممانعت از زیاده خواهی اشخاص فاقد مولفه های قوای عقلانی و وجدان اخلاقی» تا «ترویج توسعه طلبی اصفهانی در مازندران»

**آرمان شمال- اسحاق کشاورز (کارشناس علوم سیاسی):** استاندار بیست و دوم مازندران سرانجام انتخاب و معارفه شد. با آرزوی کامیابی برای مهندس اسلامی در ایفای مسوولیت بسیار سنگین محول، انتظار است در کنار انبوه ایده هایی که به ایشان عرضه می شود و یا از چشمه ی ذهن خود ایشان می جوشد، به این زاویه ی نگاه از یک شهروند نیز عنایتی داشته باشند.

کارگردانی صحنه ی سیاست:

چنانکه دانسته است عرصه ی سیاست میدان طرح خواسته های بی شمار است که در اغلب موارد این خواسته ها در تعارض و احیاناً در تضاد با هم اند. در ایران البته به دلیل فقدان حضور احزاب در میدان عمل، این وضع بغرنج تر است. زیرا در صورت وجود احزاب،

خواسته ها با قاعده تر، شسته رفته تر و بسامان تر ارائه می شوند. لکن به دلیل کثرت وجود اشخاص و گروه های سیاسی در قالب طیفهای متکثر و منشعب از جریان های اصلی سیاسی، تعارضات و تمایلات و تضادها به شکل برجسته تری عیان می شوند.

مشکل دیگر در سیاست ایران ناهمزیستی عمل سیاست با علم سیاست است. در علم سیاست چارچوبها و قواعدی مطرح است که در صورت پیاده شدن در میدان عمل امکان گشایش بسیاری از گره ها فراهم خواهد شد. اما به دلیل فقدان ساز و کار اصولی و علمی در توزیع قدرت، امکان پیاده کردن موازین علمی در عرصه های سیاست دشوار و در بسیاری از موارد ناممکن است.

مشکل دیگر در ایران، فقدان تعاریف دقیق یا درست و یا نزدیک به مفهوم کاربردی از مفاهیم علوم انسانی است. صاحب نظران تعاریف بسیاری از علم سیاست به دست داده اند. مع هذا سیاست در لغت به معنی به تقریب راندن اسب سرکش است اما در اصطلاح به معنای حکمرانی، تدبیر منزل، اداره ی امور مملکت، کشور داری، سررشته داری و مانند آن است. اما یک تعریف، همواره ذهن نگارنده را به خود معطوف داشته است و به نظرم تعریفی قابل اعتنا و درخور توجه است. این تعریف عبارت است از :

(( سیاست، کارگردانی منافع متضاد جامعه است. ))

سعدی می گوید : به دریا در، منافع بی شمار است ... و گر خواهی سلامت، در کنار است.

جامعه به مثابه دریایی است که انبوهی از منافع در آن جریان دارد. مردم برای جذب و جلب این منافع و منابع فراوان، گاه در کنار هم اند و گاه رو در روی هم. در میان نهادهای اصلی اجتماعی، نهاد حقوق، وظیفه ی تعیین حدود و ثغور اشخاص جامعه جهت دستیابی به منافع را بر عهده دارد. اما به دلیل اختلاط حدود و ثغور شش منبع هنجارگذار اجتماعی و جابجایی ناهمگون این وظایف در هم، حدود و ثغور قانونی برای خیلی ها روشن نیست، لذا گاه برخی اشخاص و گروه ها برای خود حق و سهمی بیشتر از سایرین برای نیل به منافع قائل اند و بالمال حقوق بسیاری در زیر سایه ی سنگین سهم خواهان قادر و قهار پایمال می شود.

اینک برای ایضاح مطلب به شش منبع هنجارگذار و یا همان فرمانروای درون اشاره می شود؛

۱ نظام اخلاقی ۲ نظام حقوقی ۳ عرف، آداب، عادات و سنن ۴ مصلحت اندیشی ۵ زیبایی شناسی ۶ دین و مذهب.

ما آدمیان به محض بیداری و استقرار در وضعیت بهنجار آگاهی، از یک یا چند تا از این منابع هنجار گذار اجتماعی به عنوان فرمانروای درونی، فرمان می بریم. از میان نهادهای اجتماعی، نهاد تعلیم و تربیت وظیفه ی ایجاد تعادل و توازن در صدور و دریافت فرامین از منابع مذکور را بر عهده دارد. گویا این نهاد با وجود گستره ی عظیمش به خوبی از عهده ی وظایف خود برنمی آید. زیرا بی تعادلی طرح خواسته ها و مطلوبهای فردی و اجتماعی ریشه در نظام تعلیم و تربیت از مبدا خانواده، رسانه ها، جراید پرشمار، آموزش و پرورش، مواعظ و منابر، دانشگاه ها و هر تربیونی دارد که ندانسته ای را تبدیل به دانسته و همان دانسته را تبدیل به عمل می کنند.

بنا بر آنچه ذکر شد استاندار محترم به عنوان سکاندار عرصه ی عمل سیاسی، می تواند میان علم سیاست و عمل سیاست، آشتی و سازگاری برقرار کند و به عنوان " کارگردان منافع متضاد جامعه " برای هر خواسته ای تا آنجا که حقیقت طلبانه، عدالت طلبانه، خیرخواهانه و جمال گرایانه است، سهمی قائل باشد. حقیقت طلبی به معنای انطباق حوایج با واقعیات، عدالت طلبی به معنای دیدن و احترام گذاشتن حقوق و تکالیف واقعی همگان، خیرخواهانه به معنای پاسداری از زیست اخلاقی همگان، جمال گرایانه به معنای عنایت به هنر به جهت دو تاثیر انکارناپذیر آن الف) ایجاد زیبایی در زندگی آدمیان ب) کاهش زشتی از پیکره ی زندگی انسانی.

استاندار محترم برای تحقق موارد پیش گفته می تواند سه تدبیر بیندیشد:

۱) در صورت داشتن برنامه ی تغییرات در مدیریت زیر مجموعه، ملاک انتصاب اینگونه تعریف گردد.

ما برای ایجاد توسعه به مدیرانی نیاز داریم که خود توسعه یافته باشند. توسعه یافتگی در ذهن و روان ملحوظ نظر است و نه چیز دیگر.

بنابراین گزینه های مدیریت باید؛

۱) دارای قوای عقلانی شامل چهار مولفه ی دانش، قدرت تفکر، عمق فهم و تجربه ی ذهنی باشند.

۲) وجدان اخلاقی شامل الف) سلامت اخلاقی ب) سلامت روانی باشند.

برای تشخیص دو خصوصیت و شش مولفه ی زیرمجموعه ی دو خصوصیت مذکور باید تیمی واجد شرایط تشکیل شود تا بتوانند از عهده ی این وظیفه ی خطیر برآیند.

این کار استاندار به عنوان کارگردان صحنه ی سیاست، جلوی فزون خواهی اشخاص فاقد مولفه های قوای عقلانی و وجدان اخلاقی را خواهد گرفت و با تدبیری سنجیده مانع حضور جاه طلبان، فزون خواهان، بی خردان و چاپلوسان در عرصه های تصمیم سازی و تصمیم گیری خواهد شد. بنابراین برای تشخیص خصوصیات دوگانه و مولفه های شش گانه، باید کاملاً علمی رفتار کرد و از همان نقطه ی عطف، جلوی محفل گرایی و رفتارهای سنتی را گرفت و بانک شناسایی مدیران را فراهم کرد و تک تک گزینه ها را با معیارها و ملاکهای عقلانیت و وجدان اخلاقی تطبیق داد و در نهایت به کار گرفت.

برای خصوصیت وجدان اخلاقی در مولفه های سلامت روان، به سیستم روان سنجی سازمانی نیاز است. بنابراین باید تیم روان سنجی سازمانی تشکیل داد و از آن طریق وضع سلامت روانی گزینه ها، مورد ارزیابی قرار گیرد تا از ورود بیماران روانی در عرصه های مدیریت جلوگیری کرد. تشخیص بیماری های روانی کاری است تخصصی و فقط از عهده ی متخصصان بر می آید، پس این امر بسیار حائز اهمیت است.

بنابر آنچه ذکر شد : توزیع قدرت مهم ترین بخش کارگردانی استاندار محترم خواهد بود. زیرا بر اثر آن ثروت، معرفت و منزلت به همان نحو توزیع خواهد شد.

## ۲) پرداختن به امر تعلیم تعلیم و تربیت و فرهنگ

استاندار محترم نیک می دانند که نهادهای اجتماعی، میوه ی درخت فرهنگ اند و در صورتی شیرین و گوارا خواهند بود که ریشه و شاخه و ساقه و برگ به خوبی آبیاری و آب رسانی شوند. میوه ی سیاست هم مستثنی از این قاعده نیست. بنابراین باید بیش و پیش از هر چیز به این امر مهم اهتمام ورزید.

از جهت تقدم و تاخر، بند دوم شقوق کارگردانی بر شق " نخست اولی است لکن تقدم شق " نخست صرفاً با پیش فرض توجه کارگردان به اهمیت و اولویت امر فرهنگ و تعلیم و تربیت است زیرا توزیع قدرت با چنین نگرشی خود فرعی است از نگرش مبتنی بر اولویت فرهنگ در نظر

## کارگردان.

استاندار محترم! تعلیم و تربیت باید پنج هدف را تعقیب کند؛

۱۱ ایجاد شغل و حرفه ۲ تقویت فضیلت دانایی در جامعه ۳ ایجاد تفکر نقدی و مهارت اندیشه ورزی ۴ ایجاد خودشناسی و تفرد ۵ ایجاد زیست اخلاقی

آسیبهای ویرانگری چون رابی کاری ۲ شیوع اعتیاد ۳ تزلزل در نهاد خانواده (الف. طلاق رسمی و عاطفی ب. تاخیر در ازدواج) ۴ آسیبهای فضای مجازی و ... تنها از مسیر و مجرای تعلیم و تربیت اصولی و کارآمد قابل رفع و درمان است.

بنابراین باید مبنای توسعه را به این سمت برد که ذهن و روان شهروندان را از طریق سازوکارهای درست آموزشی اصلاح کرد و باید بستر توسعه را در حوزه های آموزش و پرورش فراهم کرد و به متخصصان اعتماد کرد و از نخبگان علمی در جهت رفع مشکلات در میدان عمل بهره گرفت در غیر اینصورت کارگردان عملاً به صخره های سخت برخورد کرده و اهدافش ابتر خواهد ماند.

تبیین این موضوع به شرحی مبسوط، محتاج و لاجرم تشریح آن به مجال دیگر موکول می گردد.

### ۳ رعایت موازین اعتدال

بنا بر آنچه در این مجال مختصر ذکر شد، اعتدال به معنای ایجاد سالاد سیاسی از افراد فعال در طیفها و جریان های سیاسی نیست. انسان در حین خوردن سالاد قادر به ادراک و احساس طعم واحد و مجزا از خوراک و نوشاک نیست. به عبارتی سالاد ذائقه ی انسان را دچار اغتشاش و اختلال می کند. کارکرد سالاد سیاسی نیز چنین است.

به نظر نگارنده در نظر گرفتن مولفه های قوای عقلانی و وجدان اخلاقی، عملاً میدان عمل را برای کارگردان صحنه ی سیاست هموار خواهد کرد. کارگردان با توسل به این شیوه، بازیگرانی را برای ایفای نقش به میدان می آورد که هرکدام مکمل نقشها و سامان دهنده ی پازل سیاست در صحنه خواهند بود.

استاندار محترم نیک می دانند که چهار آفت رآمدگی گرایایی به جای معرفت گرایی ۲ حافظه محوری به جای مفهوم محوری ۳ تسلیم به جای رواج سبک اطلاعاتی و تفکر نقدی ۴ آشکارگی و انحصار حقیقت نزد خود

به جای رویت حقیقت نزد دیگران در نظام تعلیم و تربیت آسیب های زیادی به نیروهای انسانی ما وارد کرده است. بنابراین اکنون التهاب مدرک بر فضای عمومی جامعه سایه ای سنگین و شوم افکنده است و به جای تقویت تیپ روانی رضایت (مقایسه و مسابقه ی هر کس با اکنون و گذشته ی خود) فرهنگ نیل به کامیابی به هر قیمت (مقایسه و مسابقه با دیگران) و تیپ روانی موفقیت را جایگزین کرده است. لذا ممکن است در تشخیص صلاحیت افراد دچار خطای هاله ای شد و مدارک دانشگاهی را با معارف علمی اشتباه گرفت. انتظار است در این باره دقت و ژرف نگری صورت گیرد و گرایش و کشش به عناوین و مدارک، کارگردان را از صاحبان و واجدان صلاحیت، رویگردان نکند و در نتیجه خطای هاله ای، اثر مخرب خود را بر جای نگذارد. در این باره نیز سخن بسیار است و مجال دیگری می طلبد که عندالضروره به آن خواهیم پرداخت.

استاندار محترم!

سخنم اگرچه به دراز کشید اما مهمترین اهداف، در تنگنای کلام به بند کشیده شد و این همه، حتی بخش کوچکی از مقاصدم را بیان نکرد.

آنچه حائز اهمیت است اینکه خاستگاه جناب عالی اصفهان است و اصفهان بنا بر دلایلی که ذکر آن در این مجال نمی گنجد سمبل توسعه خواهی در سده های اخیر بوده است. بنابراین امید است ارمغان کارگردان جدید صحنه ی سیاست در مازندران راهبری رجلی توسعه خواه با ترکیبی از روحیه ی فرهنگ اصفهان و دانش امروز بشر باشد.

اینک کوتاه زمانی است که از معارفه ی شما سپری شده است. به مصداق سخن سعدی: عمر برف است و آفتاب تموز...

روز تودیع نیز به سرعت برق فرا می رسد. امید است که آن روز به معنای دقیق کلمه روز تکریم باشد. مردم مازندران در آن صورت با تمام وجود سپاسگزار شما خواهند بود و در هر صورت خادمان خود را بر فراز چشم می نشانند و شانشان را پاس خواهند داشت. امید که وجود شما در آینده بر تارک تاریخ مازندران چونان نگینی رخشان بدرخشد. نیز مددی دیگر از سعدی شیرین سخن که می گوید:

” دو چیز طیره ی عقل است، دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی “

به حکم خرد مقصود خود را به عنوان یک شهروند دردمند با شما در میان گذاشتم و انتظار دارم شما نیز با رعایت قاعده ی زرین، زر ناب را از ژرفای جامعه برکشید و بر پهنه ی آن فروزان سازید.

استاندار محترم، مردمی که تحت حکمرانی اند و اکنون در قید حیات اند و دارای گوشت و پوست و خون اند و درد می کشند و رنج می برند، دو انتظار روشن از شما دارند؛

۱) درد از تن دردمندشان بکاهید.

۲) رنج از روان رنجورشان بکاهید.

کاهش درد و رنج مردمان، بزرگ ترین وظیفه و مسوولیت حاکمان است. مازندرانی ها برای شما در این راه خطیر آرزوی کامیابی دارند.

